

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره شانزدهم، تابستان ۱۴۰۴: ۶۰-۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

نوع مقاله: پژوهشی

## موانع ادراک شده فرزندآوری: مطالعه‌ای کیفی عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی در میان زنان مذهبی فعال در فضای مجازی

محمد سلیمی\*

### چکیده

در بستر تحولات جمعیت‌شناختی و اجتماعی ایران معاصر، درک عمیق تجربه‌های زیسته زنان درباره فرزندآوری، اهمیت بالایی یافته است. این پژوهش با هدف کشف و تفسیر تجربه‌های زیسته زنان مذهبی فعال در فضای مجازی درباره عوامل، موانع و پیامدهای تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری انجام گرفت. مطالعه با رویکرد پدیدارشناسی تفسیری و روش کیفی طی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و از طریق مصاحبه‌های حضوری و متنی و آنالیز صورت پذیرفت. از طریق نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله برفی، ۳۲ زن مذهبی فعال در فضای مجازی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون کلارک و براون در چندین مرحله شامل کدگذاری اولیه، استخراج مضامین و تدوین مضامین نهایی صورت گرفت. یافته‌ها از تحلیل تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان، سه مضمون اصلی استخراج شد که عبارتند از درک زنان از فقدان حمایت اجتماعی، زیست بوم بازدارنده فرزندآوری و ابهام در آینده و عدم کنترل آن است. تجربه زیسته زنان با دین‌داری بالا درباره فرزندآوری،

---

\* دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران

پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که در تقابل میان ارزش‌های دینی- سنتی و واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی معاصر شکل می‌گیرد. مشارکت‌کنندگان علی‌رغم پایبندی به نقش مادری، تحت فشار ساختارهای اجتماعی غیر حامی ناکافی، نگرانی‌های اقتصادی و اضطراب از آینده، تصمیم‌گیری درباره فرزندآوری را به تعویق می‌اندازند یا از آن اجتناب می‌کنند. این یافته‌ها، ضرورت توجه به ابعاد ساختاری و حمایتی فرزندآوری در کنار در نظرگیری تجربه‌های زیسته زنان را برای سیاست‌گذاری‌های جمعیتی مؤثر نشان می‌دهد.

**واژه‌های کلیدی:** پدیدارشناسی، فرزندآوری، زنان مذهبی، موانع ساختاری، تجربه زیسته

## مقدمه

ایران تاکنون دو دوره متمایز سیاست‌گذاری جمعیتی را تجربه کرده است. نخستین دوره، پس از سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ آغاز شد، زمانی که نتایج سرشماری، نرخ رشد سالانه جمعیت معادل ۳.۴ درصد را نشان می‌داد. این نرخ که در آن مقطع زمانی به عنوان رشدی بالا تلقی می‌شد، سیاست‌گذاران را به اتخاذ راهبردهای محدودسازی موالید ترغیب کرد. پس از گذشت حدود سه دهه، تغییرات ساختار سنی جمعیت و شواهد آماری مبنی بر شتاب گرفتن روند سالمندی هرم سنی کشور در آینده‌ای نزدیک، موجب بازنگری اساسی در رویکردهای جمعیتی شد. سیاست‌های کلان جمعیتی در قالب اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی جمعیت و سیاست‌های کلی خانواده، اهداف و رهنمودهای روشنی را برای مقابله با پدیده کاهش باروری ترسیم نموده‌اند. با وجود این قوانین مصوب و برنامه‌های عملیاتی و مشوق‌های طراحی‌شده در سطح اجرا، نتوانسته‌اند به طور کامل اهداف مورد نظر این سیاست‌ها را محقق سازند. این شکاف بین اهداف کلان و نتایج عملیاتی، ضرورت واکاوی عمیق‌تر زمینه‌های ناکارآمدی را آشکار می‌سازد. بر این اساس از ابتدای دهه ۱۳۹۰، سیاست‌های جمعیتی ایران مجدداً تغییر کرد و جهت‌گیری آن از کنترل و کاهش نرخ باروری به سوی تشویق و حمایت از فرزندآوری و افزایش موالید تغییر یافت. بر اساس آمار موجود، کشور ایران کاهش بی‌نظیری در نرخ باروری در جهان داشته است (عباسی، مکدونالد ۲۰۰۶). تنها طی یک دهه (۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰)، باروری از ۶.۴ فرزند به زیر سطح جانشینی در اوایل دهه هشتاد رسید.

از سوی دیگر با گذشت حدود سیزده سال از تغییر سیاست‌های جمعیتی و با تصویب قانونی برای این منظور، همچنان باروری در کشور پایین بوده، رشد چندان‌ی نداشته است. بر اساس داده‌های سازمان ثبت احوال، نرخ باروری در سال ۱۴۰۳ به رقم ۱/۴۴ فرزند رسیده است. پایین بودن نرخ باروری در حالی است که در جامعه ایران، میانگین تعداد ایده‌آل فرزند بر اساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۴۰۲، رقم ۲/۵۱ فرزند بوده است. بر اساس داده‌های سازمان ثبت احوال جمهوری اسلامی ایران، میانگین سن نخستین فرزندآوری در کشور طی سه دهه گذشته، افزایش قابل توجهی داشته است. به طور مشخص در سال‌های اخیر، میانگین سن زنان در زمان

تولد نخستین فرزند به ۲۷/۳ سال و میانگین سن مردان به ۳۲/۱ سال رسیده است. این ارقام بیانگر افزایشی در حدود پنج سال برای هر دو جنس نسبت به سه دهه قبل است؛ افزایشی که می‌تواند پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم بر سطوح و الگوهای باروری داشته باشد، زیرا باروری همواره یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده به شمار می‌رود (افشانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲).

با گذشت بیش از یک دهه از تغییر جهت سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از رویکردهای محدودسازی مولید به سیاست‌های تشویق و حمایت از فرزندآوری همچنان سطوح باروری کشور، پایین‌تر از سطح جایگزینی باقی مانده و روند نزولی خود را حفظ کرده است. این واقعیت، پرسشی اساسی را مطرح می‌سازد: چرا علی‌رغم اعمال مجموعه‌ای از حمایت‌ها، تشویق‌ها و مداخلات قانونی، مالی و نهادی، نرخ باروری افزایش نیافته است؟

از منظر جامعه‌شناسی دین و خانواده، انتظار می‌رود که زنان با دین‌داری و اعتقادات مذهبی بالا، نسبت به گروه‌های دیگر، به دلیل ارزش‌های فرهنگی و دینی که اغلب بر اهمیت تشکیل خانواده، تداوم نسل و جایگاه والای مادر بودن تأکید دارند، از سیاست‌های تشویقی فرزندآوری استقبال بیشتری کنند و در عمل سطح بالاتری از باروری را به نمایش بگذارند. پارادوکس پژوهشی در اینجا است که مشاهدات و برخی داده‌های اولیه نشان می‌دهد که بخشی از این جمعیت مذهبی، علی‌رغم باورهای قوی و تعهدات دینی از یکسو و گرایش به سنت‌های جامعه ایرانی که فرزندآوری را تشویق می‌کند، در عمل از فرزندآوری صرف‌نظر کرده یا آن را به تعویق می‌اندازند.

به عبارت دیگر، پرسش این است که چه موانع و عواملی اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی، یا سازوکارهای درون‌دینی در مسیر تحقق تمایلات باروری زنان متدین قرار گرفته که باعث شده است سیاست‌ها و مشوق‌های کلان، حتی در گروهی که بیشترین انتظار همراهی از آنان می‌رود، اثرگذاری مورد نظر را نداشته باشد؟ این پژوهش به دنبال پاسخگویی به چرایی این سکوت رفتاری در برابر فریاد تشویقی است. تحقیقات موجود نشان می‌دهد که زنان دین‌دار در مقایسه با هم‌تایان غیر دین‌دار خود، به طور کلی نرخ باروری بالاتری دارند (Hayford & Morgan, 2008: 6). برای مثال در ایالات متحده، زنانی که دین را در زندگی روزانه خود بسیار مهم می‌دانند، میانگین ۲.۳

فرزند دارند، در مقابل ۱.۸ فرزند برای زنان غیر دین‌دار. همچنین تحقیقات نشان داده که زنان با پیشینه مذهبی، بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های حمایت از فرزندآوری قرار می‌گیرند؛ به طوری که در مطالعه‌ای در کشورهای بالتیک، این سیاست‌ها، احتمال فرزندآوری را در میان زنان با پیشینه مذهبی، ۲۴٪ افزایش داد، اما هیچ تأثیری بر زنان غیر دین‌دار نداشت (Brainerd & Malkova, 2025: 19).

با این حال به نظر می‌رسد در بافت خاص جامعه ایران امروز، حتی برای زنان متدین، مجموعه‌ای از موانع ادراک شده قدرتمند، اثر ارزش‌های دینی و سیاست‌های تشویقی را خنثی می‌کند. مفهوم موانع ادراک شده بر این نکته تأکید دارد که صرف وجود عینی مشکلاتی مانند مشکلات اقتصادی، کافی نیست، بلکه تفسیر و برداشت ذهنی افراد از این مشکلات به عنوان مانع است که بر تصمیم‌گیری باروری آنان، تأثیر تعیین‌کننده دارد. این موانع می‌تواند ریشه در عوامل فرهنگی نظیر تغییر ارزش‌ها نسبت به مادری کردن، فردگرایی، فشار نقش دوگانه شغلی و خانوادگی، انتظارات جدید از زندگی زناشویی و حتی درون‌دینی نظیر برداشت‌های جدید از تکالیف خانوادگی، احساس تضاد بین الزامات مذهبی و زندگی مدرن داشته باشد.

علاوه بر این ظهور فضای مجازی به عنوان یکی از بسترهای جدید اجتماعی‌سازی، این پارادوکس را پیچیده‌تر کرده است. زنان مذهبی فعال در فضای مجازی، در معرض جریان‌های فکری متنوع و گاه متضادی قرار می‌گیرند. از یکسو با گفتمان‌های سنتی و مذهبی مواجه‌اند که بر فرزندآوری تأکید دارد و از سوی دیگر با گفتمان‌های فمینیستی، توسعه فردی و سبک زندگی مدرن که بر استقلال، تحقق فردی و محدودسازی فرزندآوری صحه می‌گذارد. این تقابل گفتمانی می‌تواند برای این زنان، نوعی تعارض هویتی و سردرگمی نقش ایجاد کند که خود به یکی از مهم‌ترین موانع ادراک شده برای فرزندآوری تبدیل شود.

بنابراین پرسش بنیادین این پدیدارشناسی، معطوف به کاوش در تجربه زیسته و سرشت آن گسست معناداری است که در پهنه زیست جهان زنان متدین، میانه جهان اعتقادی آنان (که بر دین‌داری والا دلالت دارد) و کنش عملی‌شان در قبال فرزندآوری (که به کم‌رنگ شدن میل به زادآوری اشاره دارد) پدیدار گشته است. غایت این پژوهش،

دستیابی و واکاوی معنای نهفته در دل این تعلیق رفتاری است که چرا و چگونه سوژه‌های مورد مطالعه، علی‌رغم گواهی جهان درونی سرشار از التزام دینی، در عمل، در سکوت و توقف گام برمی‌دارند؟ پرسش اینجاست که کدامین موانع و شرایط (در گستره‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روان‌شناختی و حتی سازوکارهای درون‌دینی) بر پیکره اراده و امکان تحقق خواست فرزندآوری در این زنان سایه افکنده و زیست آنان را به عرصه‌ای برای تقابل ارزش و عمل بدل ساخته است؟ غرض، فهم ژرفای این شکاف و دریافت معناهایی است که سیاست‌های کلان تشویقی را در مواجهه با این زیست‌جهان خاص، ناکام و بی‌اثر گذارده است.

### مرور ادبیات پژوهش و چارچوب مفهومی

مطالعات انجام‌شده در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که دین‌داری به عنوان یکی از عوامل مهم فرهنگی و اجتماعی، نقش زیادی در شکل‌گیری تمایلات فرزندآوری ایفا می‌کند. اعتقادات دینی و تجربه معنوی افراد، نقش مستقیمی در ارتقای سلامت روانی و اجتماعی آنان دارد و می‌تواند به افزایش سطح امید فردی و اجتماعی منجر شود (طالبی اردکانی و دیگران، ۱۴۰۳: ۲). هرچند مفاهیم دین و دین‌داری بسیار گسترده‌اند، پژوهشگران علوم اجتماعی، علوم دینی و حتی فیلسوفان، سه مؤلفه اصلی را در تعریف آن برجسته کرده‌اند: باورها و اعتقادات، تجربه و احساسات مذهبی و انجام مناسک دینی (شاوردی و صراگرد، ۱۴۰۱: ۵۶). این مؤلفه‌ها می‌تواند رفتارهای باروری زنان مذهبی را شکل داده، تصمیم‌های آنان درباره فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد. در بستر جامعه ایران، پژوهش‌ها، این ارتباط مثبت را به وضوح تأیید کرده‌اند. برای مثال، مطالعه‌ای گسترده در شهر تهران نشان داد که دین‌داری، حتی بیش از نگرش‌های جنسیتی، قصد افراد برای داشتن فرزندان بیشتر، قصد فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مدیری، ۱۳۹۶: ۱۹۱). همچنین یافته‌های یک پژوهش روی زوج‌های جوان در شهر مشهد، بیانگر آن است که انگیزه و تعداد ایده‌آل فرزندان در میان افرادی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، به طور معناداری بالاتر است (خدیوزاده و ایرانی، ۱۳۹۷: ۱۳۹).

این یافته‌ها در سطح بین‌المللی نیز تأیید شده است. در کشورهای اروپایی که اغلب

نرخ باروری پایینی دارند، شواهدی از تأثیر مثبت و قوی حضور در مراسم مذهبی بر قصد باروری مشاهده شده است. به این معنا که عمل مذهبی منظم، با تمایل بیشتر به فرزندآوری در میان شهروندان اروپایی مرتبط است (Dantis et al, 2023: 18-19). تبیین مکانیسم تأثیر، یکی از مکانیسم‌های مهمی که این ارتباط مثبت را تبیین می‌کند، تفاوت درک از پیامدهای فرزندآوری است. در این زمینه، مطالعه‌ای در لهستان نشان داد که افراد مذهبی‌تر، در مقایسه با افراد غیر مذهبی، منافع بیشتری را برای والدین بودن متصور می‌شوند و هزینه‌ها و چالش‌های فرزندآوری را کمتر در نظر می‌گیرند. این امر ناشی از آموزه‌های دینی است که والدین را تشویق به فرزندآوری کرده، به آن معنا و ارزش معنوی می‌بخشد. بنابراین بخش قابل توجهی از تأثیر مثبت دین‌داری بر قصد باروری، از طریق افزایش درک منافع و کاهش درک چالش‌ها صورت می‌گیرد (Bein et al, 2021: 9, 10, 12).

به طور خلاصه، شواهد جمعیتی و اجتماعی در بستر فرهنگی ایران و سایر نقاط جهان نشان می‌دهد که دین‌داری، فراتر از یک باور فردی، یک نیروی اجتماعی است که می‌تواند با ترویج ارزش‌های خانواده‌محور و کاهش تلقی افراد از هزینه‌های فرزندآوری، تصمیم و تمایل به فرزندآوری را به شکلی مثبت تحت تأثیر قرار دهد. مطالعه تاج‌بخش (۱۴۰۲) نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از ادراکات ذهنی، از جمله نگرانی نسبت به آینده نامعلوم فرزند، احساس ناکفایتی در ایفای نقش والدانه، ترس از بارداری، ترس از ارزیابی و قضاوت اجتماعی و تجربه بی‌ثباتی در شرایط زندگی می‌تواند تمایل به فرزندآوری را کاهش داده یا تصمیم‌گیری را به تعویق اندازد. این یافته بر اهمیت برداشت ذهنی زنان از شرایط (و نه صرف وجود عوامل عینی) در شکل‌گیری رفتارهای باروری تأکید دارد؛ نکته‌ای که با رویکرد مطالعه حاضر نیز همخوان است.

عباسی و همکاران (۲۰۲۲) در یک فراتحلیل جامع از مطالعات ایرانی، تأثیر مثبت اما میانه و متوسط دین‌داری بر قصدهای باروری را تأیید کردند. این تحقیق نشان داد که اثر دین‌داری اغلب ثانویه نسبت به موانع اقتصادی و ساختاری است و در زمینه‌های مختلف متفاوت عمل می‌کند.

یدالله‌پور و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای روی دانشجویان ایرانی نیز رابطه مثبت میان دین‌داری و نگرش نسبت به فرزندآوری را گزارش کردند؛ هرچند این رابطه تحت تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی قرار می‌گیرد.

در مقابل، مطالعات بین‌المللی، یافته‌های متنوع‌تری ارائه داده‌اند. آژن و کلوباس<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در چارچوب نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده، دین‌داری را به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای مهم شناسایی کردند که از طریق تأثیر بر باورها، نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و ادراک کنترل رفتاری بر قصد های باروری اثر می‌گذارد.

آلومیر<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در مرور سیستماتیک خود بر سلامت باروری زنان مسلمان نشان دادند که باورهای مذهبی اغلب به عنوان مانعی برای دسترسی به خدمات سلامت باروری عنوان می‌شود، اما همزمان انگیزه‌ای برای فرزندآوری محسوب می‌گردد. موانع عینی و ذهنی فرزندآوری، عوامل مختلفی را در برمی‌گیرد که در مطالعات مختلف شناسایی شده‌اند.

صفاری و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه کیفی خود بر یک جمعیت با باروری پایین در ایران، موانع اجتماعی و اقتصادی فرزندآوری را به تفصیل بررسی کردند. این پژوهش نشان داد که عوامل ساختاری مانند بیکاری، عدم امنیت شغلی و فشارهای اجتماعی، موانع اصلی محسوب می‌شوند.

بهجتی اردکانی و همکاران (۲۰۱۷) نیز در بررسی جامعه‌شناختی تحول مفهوم باروری در ایران، تأکید کردند که عوامل ذهنی و عینی کلان و خرد محیطی، فشارهای روانی و محدودیت‌های زیادی را برای خانواده‌ها ایجاد کرده است. این مطالعه همچنین نشان داد که مفاهیم فرزندآوری و باروری تحت تأثیر ارزش‌های مذهبی قرار دارد.

هاوکی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود بر زنان مهاجر و پناهنده نشان دادند که این گروه‌ها با چالش‌های چندگانه‌ای در طول دوره باروری مواجه هستند. آنها فرزندآوری را به عنوان یک الزام فرهنگی و مذهبی تلقی می‌کنند، اما همزمان با موانع ساختاری و اجتماعی قابل توجهی روبه‌رو هستند.

---

1. Ajzen & Klobas

2. Alomair

3. Hawkey

کرنی و وایت<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در بررسی عوامل روان‌شناختی تأخیر در فرزندآوری، موانع ذهنی شامل نگرانی از مشکلات ناباروری، اهمیت داشتن فرزند، نگرش، هنجارهای ذهنی و ادراک کنترل رفتاری را شناسایی کردند. یافته‌های این مطالعات در مجموع نشان می‌دهد که رابطه بین دین‌داری و تمایلات فرزندآوری، پیچیده و چندوجهی است. هرچند دین‌داری عموماً با تمایلات بالاتر فرزندآوری همراه است، این رابطه تحت تأثیر موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. موانع عینی مانند مشکلات اقتصادی و ساختاری اغلب تأثیری قوی‌تر از عوامل مذهبی بر تصمیم‌های باروری دارند، در حالی که موانع ذهنی شامل نگرش‌ها، باورها و ادراکات فردی، نقش تعدیل‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

با مرور پیشینه پژوهشی موجود می‌توان دریافت که دین‌داری به عنوان عاملی اثرگذار بر تمایلات فرزندآوری در بسترهای فرهنگی مختلف از جمله ایران، تأیید شده است. مطالعات نشان می‌دهد که دین‌داری، چه در قالب باورهای مذهبی و چه در قالب عمل منظم به مناسک، با افزایش قصد و نگرش مثبت به فرزندآوری همراه است. این تأثیر عمدتاً از طریق معنابخشی به والدگری، تقویت ارزش‌های خانوادگی و کاهش ادراک هزینه‌های روانی و اجتماعی فرزندپروری صورت می‌پذیرد.

با این حال یافته‌ها بیانگر آن است که این رابطه، ساده و خطی نیست. نقش دین‌داری اغلب در تعامل پیچیده با موانع ساختاری و اقتصادی، نظیر بیکاری، ناامنی شغلی و هزینه‌های زندگی و همچنین موانع ذهنی، روان‌شناختی، مانند نگرانی از آینده، تغییر ترجیحات فردی و دشواری‌های نقش مادری قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد این موانع می‌تواند اثر دین‌داری را تضعیف یا حتی خنثی نمایند. در نتیجه هرچند دین‌داری به عنوان یک نیروی فرهنگی قادر است تمایل به فرزندآوری را تقویت کند، تبدیل این تمایل به قصد و در نهایت رفتار واقعی، در گروی عبور از میدان وسیعی از موانع عینی و ذهنی است. این تعامل پیچیده، پرسش اصلی پژوهش حاضر را شکل می‌دهد: چگونه زنان متدین، این تقابل و تعامل میان ارزش‌های دینی از یکسو و موانع تجربه‌شده از سوی دیگر را در «زیست‌جهان» خویش معنا می‌کنند و چه سازوکارهای ذهنی و عینی

در این میانه نقش ایفا می‌نماید؟

این پژوهش با تمرکز بر زیست‌جهان زنان مذهبی فعال در فضای مجازی، واکاوی معنایی موانع فرزندآوری را در بافتی نوین و اثرگذار پی می‌گیرد. انتخاب این گروه نه به عنوان نمونه‌ای صرف، بلکه به‌مثابه سوژه‌های چندلایه که در تقاطع دین‌داری، کنشگری مجازی و تجربه زنانه قرار دارند، وجه تمایز اصلی این تحقیق محسوب می‌شود. تمایز این مطالعه در آن است که به جای تأکید صرف بر موانع عینی و اقتصادی پیشتر شناسایی‌شده در ادبیات موجود، به سراغ تجربه زیسته زنانی می‌رود که در میانه دو گفتمان متعارض قرار گرفته‌اند: از یکسو، پایبندی به ارزش‌های دینی که حامی فرزندآوری است و از سوی دیگر، زیستن در فضای مجازی که ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و حتی بازتعریف نقش زن را به شکلی پویا و گاه پارادوکسیکال تحت تأثیر قرار داده است.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که چگونه این زنان، موانع پیش رو را درک و تفسیر می‌کنند و این تفسیر علی‌رغم وجود مشوق‌های قانونی و حمایتی، چگونه به سکوت باروری در عمل منجر می‌شود. تلاش این مطالعه نه در تأیید وجود موانع که در کشف معنا و نحوه شکل‌گیری این موانع در زیست‌جهان این گروه خاص و تبیین شکاف میان تشویق کلان و امتناع زیسته نهفته است.

### چارچوب مفهومی

درک تصمیم‌های فرزندآوری مستلزم رویکردی چندسطحی است که تعامل پیچیده بین عوامل کلان، میانی و خرد را در نظر گیرد. برای مطالعه موانع فرزندآوری در میان زنان مذهبی، چارچوبی تلفیقی پیشنهاد می‌شود که بر اساس نظریه‌های پایه‌ای در حوزه‌های جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شکل گرفته است. در سطح کلان و بستر نهادی و فرهنگی نظریه گذار جمعیتی دوم (ر.ک: Lesthaeghe, 2010)، چارچوب مناسبی برای تحلیل تحولات فرهنگی فراهم می‌کند. بر اساس این نظریه، تغییرات ارزشی به سمت فردگرایی، سکولاریزاسیون و اولویت یافتن ارزش‌های ابراز وجود، زمینه‌ساز کاهش تمایل به فرزندآوری شده است. در کنار این نظریه، سرمایه

انسانی (Becker, 1991: 155) بر نقش متغیرهای اقتصادی کلان مانند بی‌ثباتی بازار کار، تورم و نااطمینانی اقتصادی در محاسبات عقلانی افراد درباره هزینه‌های فرزندآوری تأکید دارد. برای زنان مذهبی، تعامل بین این تحولات فرهنگی و اقتصادی و نظام ارزشی دینی، میدان تصمیم‌گیری پیچیده‌ای ایجاد می‌کند.

در سطح میانی، شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی قرار دارد. نظریه «سرمایه اجتماعی» بوردیو<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) و توسعه‌های بعدی آن در حوزه شبکه‌های اجتماعی، برای تحلیل تأثیر حلقه‌های اجتماعی بر تصمیم‌گیری باروری، ضروری است. شبکه‌های همسالان، گروه‌های مذهبی و خانواده گسترده، از طریق ایجاد هنجارهای اجتماعی، ارائه الگوهای نقش و اعطای حمایت‌های عاطفی و مادی، بر ادراک زنان از موانع و مزایای فرزندآوری اثر می‌گذارد. به‌ویژه فضای مجازی به عنوان یک شبکه اجتماعی نوین، بستری برای تقابل گفتمان‌های مختلف درباره مادری و هویت زنانه فراهم کرده است.

و در نهایت در سطح خرد، فرآیندهای روان‌شناختی - شناختی را می‌توان مورد توجه قرار داد. نظریه «رفتار برنامه‌ریزی شده» (Ajzen, 1991: 182)، یک مدل شناختی برای درک شکل‌گیری قصد باروری ارائه می‌دهد. بر این اساس قصد فرد برای فرزندآوری تحت تأثیر نگرش‌ها، ارزیابی مثبت یا منفی از فرزندآوری، هنجارهای ذهنی، ادراک فشار اجتماعی برای فرزندآوری یا عدم آن و کنترل رفتاری درک شده، احساس توانایی در غلبه بر موانع قرار دارد. این مدل را می‌توان با نظریه «خودکارآمدی» بندورا<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) تکمیل کرد که بر باور فرد به توانایی‌اش برای انجام تکالیف خاص مانند والدگری موفق در شرایط دشوار تأکید می‌ورزد. برای زنان مذهبی، تفسیرهای دینی و سطح التزام عملی به باورها، به طور مستقیم بر این مولفه‌های شناختی اثر می‌گذارد. تعامل سطوح و نقش زمان، این چارچوب تعامل پویا بین سطوح مختلف را امری ضروری می‌داند. برای نمونه یک سیاست کلان تشویق فرزندآوری ممکن است به دلیل فقدان سرمایه اجتماعی حمایتگر در سطح میانی (شبکه‌های خانوادگی) یا پایین بودن خودکارآمدی والدگری در

1. Bourdieu

2. Bandura

سطح خرد ناکام بماند. ادراک از آینده به‌ویژه تحت تأثیر نظریه «عدم قطعیت» (ر.ک: Vignoli et al, 2020) می‌تواند تمام محاسبات فرد در سطوح مختلف را تحت‌الشعاع قرار دهد. این چارچوب یکپارچه، ابزار تحلیلی قدرتمندی برای درک چندبعدی و زمینه‌مند موانع فرزندآوری در برابر زنان مذهبی فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چرا سیاست‌های تک‌بعدی عموماً در تغییر الگوهای باروری ناکام مانده‌اند.

### روش پژوهش

این مطالعه با بهره‌گیری از روش کیفی و با اتخاذ رویکرد پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. هدف پدیدارشناسی، درک و توصیف تجربه‌زیسته افراد از یک پدیده مشترک است (Creswell, 2013: 76). از آنجا که هدف اصلی این پژوهش، کشف و درک عمیق موانع ادراک‌شده فرزندآوری از دیدگاه خود زنان مذهبی فعال در فضای مجازی بود، این رویکرد به عنوان راهبرد پژوهشی برگزیده شد تا بتوان به ماهیت چندبعدی و ذهنی این تجارب دست یافت.

جامعه مورد مطالعه این پژوهش را زنان متأهل و مجرد، دارای اعتقادات مذهبی عیان و فعال در فضای مجازی تشکیل دادند که علی‌رغم تمایل بالقوه به فرزندآوری، اقدام به تولد فرزند بعدی نکرده یا آن را به تعویق انداخته بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و سپس گلوله برفی، ۳۲ نفر از این زنان برای مشارکت در مطالعه انتخاب شدند.

در این پژوهش، منظور از زن فعال مذهبی، زنی است که:

۱. در یکی از پلتفرم‌های مجازی (اینستاگرام یا تلگرام)، صفحه‌ای عمومی یا نیمه‌عمومی دارد و به صورت مستمر (حداقل هفته‌ای یک‌بار) در زمینه موضوعات دینی، اخلاقی یا سبک زندگی اسلامی تولید محتوا می‌کند.

۲. خود را دارای باورها و التزامات مذهبی می‌داند (بر اساس خوداظهاری در مصاحبه) و

۳. از سوی مخاطبان یا کاربران، به عنوان فردی متعهد به ارزش‌های دینی شناخته می‌شود.

#### ۴. جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان

| سن  | وضعیت<br>زناشویی | مدرک  |                     | سن  | وضعیت<br>زناشویی | مدرک                      |
|-----|------------------|-------|---------------------|-----|------------------|---------------------------|
| P1  | ۲۰               | متاهل | دانشجوی<br>کارشناسی | P17 | ۲۸               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P2  | ۲۲               | متاهل | دانشجوی<br>کارشناسی | P18 | ۲۵               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P3  | ۲۴               | متاهل | کارشناسی            | P19 | ۳۲               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P4  | ۲۲               | متاهل | دانشجوی<br>کارشناسی | P20 | ۳۰               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P5  | ۲۳               | متاهل | دانشجوی<br>کارشناسی | P21 | ۲۷               | متاهل<br>کارشناسی         |
| P6  | ۲۱               | متاهل | دانشجوی<br>کارشناسی | P22 | ۲۹               | متاهل<br>دکتری            |
| P7  | ۲۷               | متاهل | کارشناسی<br>ارشد    | P23 | ۳۱               | متاهل<br>دکتری            |
| P8  | ۲۶               | متاهل | کارشناسی<br>ارشد    | P24 | ۲۶               | متاهل<br>کارشناسی         |
| P9  | ۲۷               | متاهل | ارشد                | P25 | ۳۳               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P10 | ۲۹               | متاهل | دکتری               | P26 | ۲۸               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P11 | ۲۴               | متاهل | کارشناسی            | P27 | ۲۴               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P12 | ۲۴               | متاهل | کارشناسی            | P28 | ۳۴               | متاهل<br>کارشناسی<br>ارشد |
| P13 | ۲۶               | متاهل | کارشناسی            | P29 | ۲۹               | متاهل<br>کارشناسی         |
| P14 | ۲۲               | متاهل | دانشجوی<br>کارشناسی | P30 | ۲۷               | متاهل<br>کارشناسی         |
| P15 | ۲۰               | مجرد  | دیپلم               | P31 | ۳۱               | متاهل<br>کارشناسی         |
| P16 | ۲۱               | مجرد  | دانشجوی<br>کارشناسی | P32 | ۳۰               | مجرد<br>کارشناسی          |

مشارکت‌کنندگان از نظر شدت دین‌داری، گرایش‌های مذهبی و نوع فعالیت در فضای مجازی، متفاوت بودند. این تنوع، امکان بررسی چندصدایی در میان زنان مذهبی را فراهم کرد و به تعمیق درک پدیده کمک نمود. انتخاب زنان فعال مذهبی در فضای مجازی به این دلیل است که این گروه، در نقطه تلاقی دو نظام معنایی متفاوت دین-داری نهادینه و کنشگری مدرن مجازی قرار دارند. این وضعیت آنها را به نمونه‌ای غنی برای مطالعه موانع ادراک‌شده فرزندآوری تبدیل می‌کند. همچنین سایر معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: داشتن حداقل یک صفحه شخصی یا عمومی فعال با دنبال‌کننده قابل توجه در پلتفرم اینستاگرام یا تلگرام و تجربه تعویق یا صرف‌نظر از فرزندآوری علی‌رغم داشتن توانایی بالقوه. اطمینان از اشباع نظری داده‌ها پس از مصاحبه با حدود ۲۸ نفر از شرکت‌کننده حاصل شد که پاسخ‌ها به تکرار رسید. اما برای افزایش اعتبار و غنای یافته‌ها، مصاحبه‌ها تا تعداد ۳۲ نفر ادامه یافت.

برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل مضمون» (تماتیک) به شیوه براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

در فرآیند تحلیل کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، پس از مرحله کدگذاری باز و شناسایی کدهای اولیه، داده‌ها در قالب مقوله‌های میان‌سطحی یا همان کدهای محوری سامان‌دهی شد. این کدهای محوری بیانگر مضامین برجسته‌ای هستند که از تکرار، هم‌پوشانی و معنای مشترک کدهای اولیه حاصل شده‌اند و بیانگر تجربه‌ها و ادراک‌های زیسته مشارکت‌کنندگان درباره فرزندآوری‌اند. در ادامه برای ایجاد انسجام مفهومی بیشتر، این کدهای محوری ذیل تم‌های اصلی قرار گرفتند که بیانگر سطوح بالاتری از تفسیر داده‌ها و بازنمایی الگوهای کلی در ذهنیت و تجربه مشارکت‌کنندگان هستند.

در نتیجه کدگذاری و یافتن مضامین و مقوله‌ها، سه مقوله یا تم اصلی کشف شد که در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲- تم‌های اصلی استخراج شده

| مقوله‌های اصلی                  | کدهای محوری (مقوله‌های فرعی)                                                                                                                                                            |
|---------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| درک زنان از فقدان حمایت اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> <li>- هراس از تنهایی در نقش والدگری</li> <li>- رنج‌تنیدگی بدن و ذهن در مسیر مادری</li> <li>- احساس ایستایی در فرآیند رشد فردی و اجتماعی</li> </ul>   |
| زیست بوم بازدارنده فرزندآوری    | <ul style="list-style-type: none"> <li>- تجربه زیسته از هزینه‌ها و الزامات فرزندآوری</li> <li>- ادراک فقدان پشتوانه‌های اجتماعی</li> <li>- نگرانی از محیط و آسیب‌های اجتماعی</li> </ul> |
| ابهام در آینده و عدم کنترل آن   | <ul style="list-style-type: none"> <li>- احساس فقدان کنترل بر شرایط اقتصادی</li> <li>- دلهره از گسست هنجاری در نسل آینده</li> </ul>                                                     |

در ادامه هر مضمون یا تم اصلی تشریح شده است.

#### ۱- ادراک سختی‌های ناشی از تجربه مادری و نقش‌های جنسیتی

جدول ۳- ادراک سختی‌های نقش مادری

| مقوله‌های اصلی                  | کدهای محوری (مقوله‌های فرعی)                                                    | کدهای اولیه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                            |
|---------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| درک زنان از فقدان حمایت اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> <li>هراس از تنهایی در نقش والدگری</li> </ul> | <ul style="list-style-type: none"> <li>- همراهی نکردن همسر در تربیت درست فرزند (کد p01)</li> <li>- کلاً آگاه به همراهی و همدلی همسر مطمئن بودم، تردیدی در فرزندآوری نداشتم (کد p01)</li> <li>- عدم اطمینان از همراهی و وقت گذاشتن همسر (کد p28)</li> <li>- ترس از اینکه پدر بچه، مرد خوبی نباشه (کد p20)</li> <li>- شاید ترس از همراهی نکردن طرف مقابل هست (کد p21)</li> <li>- عدم فهم درست از شرایط زن حین بارداری و بچه‌داری توسط مرد خونه (کد p18)</li> <li>- واقعا آگاه مردها حامی خوبی باشن، بچه داشتن شیرینه. البته من بچه داشتن رو دوست دارم و حتی بدون همراهی همسر، به بچه زیاد فکر می‌کنم (کد ...)</li> </ul> |

|                                                        |  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|--------------------------------------------------------|--|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|                                                        |  | (p05)<br>- سختی‌های مربوط به کولیک پسر و آلرژی دختر و درک نشدن همین موضوع از طرف بقیه (کد p28)                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
| رنج‌تنیدگی<br>بدن و ذهن<br>در مسیر<br>مادری            |  | - زحمت زیاد و مشقت دست‌تنها مادری کردن، از دست دادن فرصت‌های تحصیلی، و یار شدید و سه ماه حالت تهوع بی‌وقفه (کد p23)<br>- اینکه مجبور باشم همه وقت‌مو در اختیارش بذارم (کد p32)<br>- اینکه تا کجا میتونم از خودم بگذرم (کد p14)<br>- سختی بارداری و زمان زیادی که بچه داری از آدم میگیره (کد p14)<br>- می‌ترسم از تمام مسئولیت‌هاش و اینکه تمام وجودم بخواد وقف بچه بشه (کد p09)<br>- سختی‌های روحی و جسمی سال اول زندگی اون بچه، به هم ریختن خواب (کد p29)<br>- تو کارای خونه گندم و انرژیم کمه براشون (کد p01) |
| احساس<br>ایستایی در<br>فرآیند رشد<br>فردی و<br>اجتماعی |  | - تمایل دارم به رشدهای فردی و اجتماعی خودم هم برسم، کاری نکنم علاوه بر مادری و همسری (کد p11)<br>- درس و کارم رو نمیخوام از دست بدم فعلاً (کد p19)<br>- به نظرم بزرگ‌ترین مانع ذهنی تقریباً به حق دختران و بانوان، عدم پیشرفت فردی، اجتماعی، تحصیلی شون و به دوش کشیدن... (کد p13)                                                                                                                                                                                                                              |

#### الف) درک زنان از فقدان حمایت اجتماعی در شبکه‌های اطرافشان

این مضمون اصلی، جهان زیسته زنان مشارکت‌کننده در مواجهه با افق مادری و معنادگی آنان به این تجربه آینده‌نگر را آشکار می‌سازد. تجربه زیسته این زنان از دشواری‌های مرتبط با مادر شدن، به عنوان پدیده مرکزی در هستی‌مندی آنان نسبت به این مرحله حیاتی ظهور می‌کند. این مضمون از سه ساختار معنایی اصلی تشکیل شده است. نخست، تجربه زیسته از تأثیر غیبت شریک در جهان مادری؛ این بعد معنایی به قصدمندی زنان نسبت به مشارکت همسر در جهان زندگی مشترک اشاره دارد. تجربه آگاهانه آنان از احتمال تنهایی در عرصه مادری، به عنوان افق ترس در ساختار تجربه آنان جلوه‌گر می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در بازگویی تجربه زیسته خود می‌گوید: «کلاً آگه به همراهی و همدلی همسر مطمئن بودم، تردیدی در فرزندآوری نداشتم».

این گفتار معنامند نشان‌دهنده ساختار آگاهی زن در مواجهه با امکان مادری است؛ جایی که حضور یا غیبت همسر به طور بنیادین، معنای زیسته او از این تجربه را شکل می‌دهد. تجربه‌های پیشین مانند «سختی‌های مربوط به کولیک پسر و آلرژی دختر و درک نشدن همین موضوع از طرف بقیه»، این افق معنایی را عمیق‌تر ساخته و احساس وجودی تنهایی را در ساختار تجربه آنان تقویت می‌کند.

#### ب) رنج‌تنیدگی بدن و ذهن در مسیر مادری

رنج‌تنیدگی بدن و ذهن در مسیر مادری را می‌توان جسمانیت و روانیت در تجربه زیسته مادری نامید. این بعد وجودی به تجسم‌یافتگی زنان در مواجهه با پدیده مادری می‌پردازد. آگاهی جسمانه آنان از تغییرات و چالش‌های فیزیکی، به عنوان ساختار بنیادین تجربه در جهان زیسته آنان ظهور می‌کند. مشارکت‌کنندگان از تجربه زیسته خود از «زحمت زیاد و مشقت دست تنها مادری کردن» سخن گفتند. بازگویی تجربه آنان شامل پدیدارهای جسمانه مانند «ویار شدید و سه ماه حالت تهوع بی‌وقفه» و «به هم ریختن خواب» بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیان «می‌ترسم از تمام مسئولیت‌هاش و اینکه تمام وجودم بخواد وقف بچه بشه»، تجربه وجودی از ذوب شدن خود در افق مادری را آشکار ساخت. این گزاره، نشان‌دهنده ساختار آگاهی زن از احتمال از خودبیگانگی در تجربه زیسته مادری است.

#### ج) محدودیت رشد فردی و اجتماعی

در این بعد تجربی، مشارکت‌کنندگان، تجربه زیسته خود از تضاد میان نقش مادری و امکانات وجودی فردی را بازگو کردند. این ساختار معنایی، فراتر از درماندگی فیزیکی است و به تجربه آگاهانه از احتمال توقف خودتحقق‌ی مربوط می‌شود. مشارکت‌کنندگان بر قصدمندی خود نسبت به رشدهای فردی و اجتماعی تأکید داشتند. گزاره‌هایی مانند «درس و کارم رو نمی‌خوام از دست بدم فعلاً» و «بزرگ‌ترین مانع ذهنی تقریباً به‌حق دختران، عدم پیشرفت فردی و اجتماعی تحصیلی‌شون است»، ساختار آگاهی آنان از تضاد وجودی میان هستی‌مندی مادرانه و پروژه خودسازی را آشکار می‌سازد.

تأویل پدیدارشناختی یافته‌های تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که پدیدهٔ مادری در جهان زندگی آنان، نه به عنوان یک امکان طبیعی، بلکه به‌مثابه فرآیندی پر تردید برای هستی وجودی آنان معنا می‌یابد. این ساختار معنایی در قصدمندی آنان نسبت به تجربهٔ آیندهٔ مادری ریشه دوانده و افق انتظار آنان را شکل می‌دهد. در واقع تجربه زیسته این زنان از مادری پیش رو، به عنوان ساختار وجودی پیچیده‌ای ظهور می‌کند که در آن، امکان خودشکوفایی و تحقق وجودی فردی با مسئولیت مادرانه در تنش معنایی قرار می‌گیرد.

## ۲- موانع ساختاری و اجتماعی فرزندآوری

### جدول ۴- موانع ساختاری، اقتصادی و اجتماعی فرزندآوری

| مقوله اصلی                   | کدهای محوری (مقوله‌های فرعی)                | کدهای اولیه                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
|------------------------------|---------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| زیست‌بوم بازدارنده فرزندآوری | تجربه زیسته از هزینه‌ها و الزامات فرزندآوری | <ul style="list-style-type: none"> <li>- شرایط مالی و امکانات زندگی مناسب فرزندآوری نیست (کد p14)</li> <li>- عدم درآمد ثابت و روتین و ترس از گرونی‌های وحشتناک (کد p08)</li> <li>- توان و صبر خودم، توان اقتصادی برای اینکه نمیتونم تو کارای خونه کمک بگیرم (کد p18)</li> <li>- مادری در تهران، خیلی گران است (کد p23)</li> </ul>                                                                                                                                                                                               |
|                              | ادراک فقدان پشتوانه‌های اجتماعی             | <ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم حمایت از مادران در همه‌جا و همه‌ش باعث میشه فعلاً به فرزندآوری فکر نکنم (کد p22)</li> <li>- عدم ارائه خدمات همراه با کرامت برای مادران (تجربه بیمارستان دولتی در شرایط اضطرار) (کد p18)</li> <li>- نگرانی بابت سلامت جسمی و نگاه تحقیرآمیز بقیه و عدم خدمات خوب برای مادران توسط حاکمیت (کد p17)</li> <li>- نبود کمک و حمایت از طرف دولت (کد p07)</li> <li>- محدودیت‌هایی در زمینه‌های مختلف از سوی جامعه و ساختار بر مادر تحمیل می‌شود، به‌خصوص فعالیت اجتماعی و پژوهش</li> </ul> |

|  |                                          |                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|--|------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|  |                                          | <p>- مسائل مربوط به تحصیل و اشتغال که حالا یا قانونی نیست یا اجرا نمی‌شود، در باب مرخصی برای دانشجویها (کد p13)</p> <p>- من عاشق بچه‌ام، ولی متأسفانه وقتی شاغل اداره خصوصی باشی با کلی قسط، جرأت بچه‌دار شدن از ترس از دست دادن جا رو نداری (کد p06)</p>         |
|  | <p>نگرانی از محیط و آسیب‌های اجتماعی</p> | <p>- فضای فراهم گناه در جامعه باعث میشه نگران باشم از حضور بچه‌م در چنین جامعه‌ای (کد p28)</p> <p>- ناهنجاری‌های اجتماعی و احتمال آسیب دیدن فرزند در این فضای اخلاقی و فرهنگی (کد p31)</p> <p>- نگرانی از تربیت درست در جامعه‌ای شبیه جامعه‌ی امروزی (کد p17)</p> |

#### الف) آشکارسازی جهان اقتصادی به مثابه عرصه محدود

تحلیل پدیدارشناختی کدهای اولیه در این مضمون آشکار می‌سازد که تجربه زیسته زنان از ابعاد اقتصادی فرزندآوری در جهان معاش آنان به عنوان ساختار وجودی بنیادین ظهور می‌کند. گفتار «شرایط مالی و امکانات زندگی، مناسب فرزندآوری نیست» نشان‌دهنده تصویری آگاهانه نسبت به عدم تناسب میان امکانات موجود و الزامات آینده است. تجربه وجودی از «عدم درآمد ثابت و روتین و ترس از گرونی‌های وحشتناک»، آشکارکننده ساختار زمانی خاصی از آگاهی است که در آن آینده اقتصادی به مثابه افق نامعلوم و تهدیدآمیز در هستی‌مندی زن نسبت به فرزندآوری جلوه‌گر می‌شود. این تجربه آگاهانه از عدم قطعیت، بُعد زمانی آگاهی را در مواجهه با پروژه مادری به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. بازگویی تجربه از «توان و صبر خودم، دلیل جدی‌تریه برای فرزند نیاوردن، توان اقتصادی برای اینکه نمی‌تونم تو کارای خونه کمک بگیرم» نشان‌دهنده آگاهی جسمانه از محدودیت‌های مالی است که تجسم‌یافتگی زن در جهان زندگی روزمره را تحت تأثیر قرار داده و امکانات وجودی او را در نظرش ناکافی می‌سازد. گزاره وجودی «مادری در تهران، خیلی گران است»، آشکارکننده تجربه مکانی-اقتصادی خاصی است که در آن مکان زندگی (تهران) به عنوان عرصه گرانی در ساختار تجربه زن از فرزندآوری معنا می‌یابد.

ب) درک ناکافی بودن حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی یا تجربه زیسته از انزوای ساختاری تحلیل کدهای این مضمون نشان می‌دهد که تجربه زیسته زنان از فقدان حمایت‌های نهادی در جهان اجتماعی آنان به عنوان ساختار وجودی انزوا ظهور می‌کند. گفتار «عدم حمایت از مادران در همه‌جا باعث میشه فعلاً به فرزندآوری فکر نکنم» آشکارکننده قصدمندی منفی نسبت به مادر شدن است که در نتیجه تجربه آگاهانه از غیبت حمایت جمعی شکل گرفته است. تجربه زیسته از «عدم ارائه خدمات همراه با کرامت برای مادران» و بازگویی تجربه مستقیم از «تجربه تلخ در بیمارستان دولتی» نشان‌دهنده آگاهی از بی‌کرامتی ساختاری است. این تجربه وجودی آشکار می‌سازد که نهادهای اجتماعی گاه در جهان زندگی زن، نه به عنوان منابع حمایتی، بلکه به‌مثابه عرصه‌های تحقیر معنا پیدا می‌کنند.

گزاره پیچیده «محدودیت‌هایی در زمینه‌های مختلف از سوی جامعه و ساختار بر مادر تحمیل می‌شود، به‌خصوص فعالیت اجتماعی و یا درس و دانشگاه» آشکارکننده تجربه آگاهانه از ساختارهای اداری و نهادی است که امکانات وجودی زن را در تجربه همزمان مادری و فعالیت اجتماعی محدود می‌سازد. این ساختار معنایی نشان می‌دهد که جامعه آنطور که در تجربه آگاهانه و زیسته زن پدیدار می‌شود، به عنوان نیروی محدودکننده ظهور می‌کند. تجربه وجودی از «متأسفانه وقتی شاغل اداره خصوصی باشی با کلی قسط، جرأت بچه‌دار شدن از ترس از دست دادن کار و نداری» نشان‌دهنده ریشه دواندن عمیق ترس است که امنیت شغلی و تصمیم به مادری را در تضاد وجودی قرار می‌دهد. این تجربه آگاهانه آشکار می‌سازد که فرزندآوری در جهان اقتصادی زن به عنوان تهدیدی برای بقا معنا می‌یابد.

ج) نگرانی از محیط و آسیب‌های اجتماعی، تجربه زیسته از فضای تهدیدآمیز تحلیل این مضمون نشان می‌دهد که تجربه زیسته زنان از محیط اجتماعی به عنوان عرصه‌ای ناامن برای فرزند آینده در ساختار آگاهی آنان ظهور می‌کند. گفتار «فضای فراهم گناه در جامعه باعث میشه نگران باشم از حضور بچم در چنین جامعه‌ای» نشان‌دهنده قصدمندی محافظتی نسبت به فرزند است که تصویری است که محیط اجتماعی را به عنوان فضای آلوده اخلاقی تجربه می‌کند. تجربه آگاهانه از «ناهنجاری‌های اجتماعی و

احتمال آسیب دیدن فرزند در این فضای اخلاقی و فرهنگی «آشکارکننده ساختار زمانی آینده‌نگرانه است که در آن آینده اجتماعی به مثابه افق خطر برای فرزند احتمالی معنا پیدا می‌کند. این آگاهی قصدمند نشان می‌دهد که جامعه در تجربه زیسته زن، نه به عنوان بستر رشد فرزند، بلکه به مثابه عرصه آسیب ظهور می‌کند. گزاره «نگرانی از تربیت درست در جامعه‌ای شبیه جامعه امروزی» آشکارکننده تجربه وجودی از ناکامی ساختارهای تربیتی جامعه است. این ساختار معنایی نشان می‌دهد که مسئولیت تربیت در آگاهی زن به عنوان باری انفرادی در مقابل جامعه‌ای ناکارآمد تجربه می‌شود.

این کدهای معنامند آشکار می‌سازد که تجربه زیسته زنان مشارکت‌کننده از فرزندآوری در جهان زندگی آنان به عنوان پدیده‌ای ساختارمند ظهور می‌کند که با سه لایه موانع- اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی- به طور همزمان تعیین یافته است. این ساختار وجودی نشان می‌دهد که امکان مادری در آگاهی قصدمند این زنان، نه به مثابه یک انتخاب آزاد و طبیعی، بلکه به عنوان تصمیمی پیچیده و پرمخاطره معنا می‌یابد که در میدان نیروهای ساختاری متضاد شکل می‌گیرد. فرآیند تحقق مادری در تجربه زیسته این زنان به عنوان تقابلی وجودی میان میل به مادری و واقعیت‌های ساختاری محدودکننده ظهور می‌کند که هستی‌مندی آنان را در تنش مداوم میان امکان و محدودیت قرار می‌دهد.

### ۳- ابهام در آینده و عدم کنترل آن

#### جدول ۵- تحمل نکردن ابهام نسبت به آینده

| مقوله اصلی                          | کد محوری<br>(مقوله‌های فرعی)             | کدهای اولیه                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|-------------------------------------|------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ابهام در آینده<br>و عدم کنترل<br>آن | احساس فقدان<br>کنترل بر شرایط<br>اقتصادی | - نگرانی از آینده و همچنین بی‌ثباتی اقتصادی در کشور (کد p20)<br>- وضعیت نامعلوم و مبهم آینده، دوتا چهارتا نبودن محاسبات زندگی آینده (کد p27)<br>- آینده بچه! که نیازمند تأمین مناسب اقتصادی (کد p14)                                                                                          |
|                                     | دلهره از گسست<br>هنجاری در نسل<br>آینده  | - اینکه من خیلی آدم بدی‌ام و نکته تاوان کارایی که من کردم رو تو بچه‌هام آشکار بشه با اینکه توبه کردم ولی.. (کد p20)<br>- خیلی فکر کردم، هیچ شرايطی قانعم نمیکنه (کد p19)<br>- من برای فرزند دوم از آینده جامعه از همه لحاظ فرهنگی و اقتصادی (و بعد ناتوانایی خودم در کنترل دو فرزند) (کد p08) |

#### الف) تجربه زیسته از آینده به مثابه افق نامعلوم

تحلیل کدهای اولیه در این مضمون آشکار می‌سازد که تجربه زیسته زنان از شرایط اقتصادی در جهان زندگی آنان به عنوان ساختار وجودی عدم قطعیت ظهور می‌کند. گفتار «نگرانی از آینده و همچنین عدم ثبات اقتصادی در کشور» نشان‌دهنده قصدمندی آگاهانه نسبت به آینده اقتصادی به مثابه افقی غیر قابل اتکاست که هستی‌مندی زن نسبت به تصمیم به مادری را به طور بنیادین تحت تأثیر قرار می‌دهد. تجربه وجودی از «وضعیت نامعلوم و مبهم آینده، دوتا چهارتا نبودن محاسبات زندگی آینده» آشکارکننده ساختار زمانی خاصی از آگاهی است که در آن آینده، نه به عنوان امکان قابل برنامه‌ریزی، بلکه به مثابه عرصه‌ای از ابهام در تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان معنا پیدا می‌کند. این آگاهی قصدمند نشان می‌دهد که زمانیت آینده در ساختار تجربه آنان به جای افق امید، به منطقه‌ای از عدم قطعیت تبدیل شده است.

بازگویی تجربه از «آینده بچه باعث میشه به بچه آوردن فکر نکنم! چون که نیازمند تأمین مناسب اقتصادی» نشان‌دهنده تجربه آگاهانه از مسئولیت اقتصادی والدگری است که در شرایط عدم قطعیت ساختاری به عنوان بار تحمل‌ناپذیر تجربه می‌شود. این ساختار معنایی آشکار می‌سازد که فرزند احتمالی در آگاهی زن، نه به مثابه پدیده‌ای مطلوب، بلکه به عنوان مسئولیتی فراتر از امکانات ظهور می‌کند. تأویل پدیدارشناختی این مضمون نشان می‌دهد که تجربه زیسته زنان از فقدان کنترل اقتصادی در جهان معاش آنان به عنوان ساختار وجودی بنیادین عمل می‌کند که امکان فرزندآوری را از یک انتخاب طبیعی به مخاطره‌ای محاسبه‌ناپذیر تبدیل می‌سازد. این آگاهی قصدمند از عدم کنترل باعث می‌شود که پروژه مادری در ساختار تجربه آنان به عنوان تصمیمی غیر مسئولانه معنا پیدا کند.

ب) ترس از آسیب‌پذیری اخلاقی و فرهنگی نسل آینده یا تجربه زیسته از جامعه به مثابه فضای تهدیدآمیز

تحلیل پدیدارشناختی کدهای این بخش آشکار می‌سازد که تجربه زیسته زنان از محیط اجتماعی و فرهنگی در جهان زندگی آنان به عنوان عامل خطر برای نسل آینده ظهور می‌کند. گفتار «اینکه من خیلی آدم بدی‌ام و نکنه تاوان کارایی که من کردم تو

بچه‌ها آشکار بشه با اینکه توبه کردم ولی...» نشان‌دهنده ساختار پیچیده‌ای از آگاهی است که در آن گذشته شخصی به عنوان سایه‌ای تهدیدآمیز بر آینده فرزند احتمالی سنگینی می‌کند. تجربه وجودی از توبه که هنوز قطعیت بخشش را نیافته، نشان می‌دهد که هویت گذشته در ساختار آگاهی زن همچنان به عنوان عامل اثرگذار در شکل‌گیری تصمیم به مادری باقی مانده است. تجربه آگاهانه از «آینده جامعه از همه لحاظ فرهنگی و اقتصادی و بعد ناتوانایی خودم در کنترل دو فرزند» نشان‌دهنده ساختار دوگانه نگرانی است: از یکسو تهدیدهای خارجی جامعه و از سوی دیگر محدودیت‌های درونی خود. این تجربه وجودی آشکار می‌سازد که زن، خود را میان دو نیروی فشار یعنی محدودیت‌ها و عدم حمایت‌های جامعه و ناتوانی شخصی، محصور ببیند.

این یافته‌ها با نظریه خودکارآمدی والدگری<sup>۱</sup> بندورا<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) سازگار است که بر اهمیت باورهای والدین نسبت به توانایی‌شان در انجام مؤثر نقش والدگری تأکید می‌کند. مرداک نشان داده است که خودکارآمدی والدگری به طور مستقیم بر رفتارهای تربیتی والدین و مشکلات رفتاری کودکان تأثیر می‌گذارد (Murdock, 2012: 319). مطالعات اخیر نیز بر اهمیت نگرانی‌های والدگری در مواجهه با عدم قطعیت تأکید کرده‌اند. ویتکوفسکی و همکاران در مرور نظام‌مند خود نشان دادند که خودکارآمدی والدگری، عاملی حیاتی در سلامت روانی والدین و رشد مطلوب کودکان محسوب می‌شود (Wittkowski et al, 2017: 14).

این تم اصلی نشان می‌دهد که یکی از موانع مهم در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری، نگرانی از آینده و احساس عدم کنترل بر شرایط آتی است. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پیشین در زمینه جمعیت‌شناسی و روان‌شناسی خانواده همسو است. بر اساس نظریه ارزیابی شناختی و هیجانی لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴)، زمانی که افراد یک موقعیت مانند فرزندآوری را به عنوان تهدیدی برای منابع خود ارزیابی کنند، دچار استرس شده و از اقدام خودداری می‌کنند.

## نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه از تحول عمیق در الگوهای هویتی و اجتماعی زنان با دین‌داری بالا در جامعه ایران حکایت دارد. آنچه در پشت این موانع عینی نهفته است، گذار از مادری به‌مثابه تقدیر به مادری به‌مثابه انتخاب است.

گذار از مادری تقدیری به مادری انتخابی، بستری برای تحلیل ظهور سوژه بازاندیش در چارچوب پدیدارشناسی است. مادری برای زنان در جوامع مذهبی سنتی به تعبیر هایدگر، بخشی از پرتاب‌شدگی یا بودن ناگزیر آنان محسوب می‌شد. وضعیتی که در آن، آنان خود را در موقعیتی از پیش تعیین‌شده می‌یافتند. تحلیل تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در این مطالعه آشکار می‌سازد که برای زنان مذهبی معاصر، مادری، دیگر جزئی از افق پدیداری قطعی آنان نیست، بلکه یک کنش آگاهانه زیسته یا یک امکان آگاهانه برای تحقق خود مؤمن است. این تحول را می‌توان در چارچوب مفهوم بازاندیشی گیدنز<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) تفسیر کرد؛ جایی که فرد مدرن، خود تفسیری خویش را همواره بازسازی می‌کند. زنان مورد مطالعه، با وجود عضویت در جهان مشترک یا هم‌زیستانه<sup>۲</sup> مذهبی، تحت تأثیر وضعیت هرمنوتیکی مدرن نسبت به سنت‌ها و نقش‌های از پیش موجود، موضع‌گیری بازاندیشانه اتخاذ می‌کنند.

- شکاف بین گفتمان سنتی و تجربه زیسته، بحران معنا ساز در فضای میان‌ذهنی در چارچوب پدیدارشناسی: یافته‌ها بیانگر ظهور تنشی هرمنوتیکی در سطح میان‌ذهنیت است. از یکسو گفتمان سنتی و مذهبی به‌مثابه بخشی از افق فرهنگی، مادری را یک ساخت معنایی مقدس معرفی می‌کند؛ اما از سوی دیگر، تجربه زیسته زنان در روزگار اخیر، مادری را با انباشت نقش‌ها و کمبود بنیان‌های حمایتی تفسیر می‌کند. این شکاف را می‌توان با مفهوم بحران معنا در پدیدارشناسی اگزیستانسیل (وجودی) تحلیل کرد؛ جایی که ساخت‌های معنایی سنتی در صدد پاسخگویی به تجربه‌های وجودی جدید برنیامدند. مشارکت‌کنندگان از عدم درک‌شدگی توسط گفتمان سنتی سخن می‌گویند که نشان‌دهنده عدم همگرایی در افق‌هاست. این یافته با مطالعه لی و همکاران در زمینه تجربه زیسته برچسب باروری همخوانی دارد که نشان می‌دهد زنان، میان انتظارات

1. Giddens

2. Mitwelt

اجتماعی و واقعیت‌های وجودی (اگزیستانسیل) دچار تضاد معنایی شده‌اند (Lee et al, 2025: 2707).

در چارچوب پدیدارشناسی بدن زیسته مرلوپونتی<sup>۱</sup> (۱۹۶۲) می‌توان فرزندآوری در بستر محاسبات وجودی و نااطمینانی ساختاری را تبیین نمود. فرآیند فرزندآوری به عرصه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های وجودی تبدیل شده است که در شرایط نااطمینانی انتولوژیک، محاسبات هرمنوتیکی پیچیده‌ای را طلب می‌کند. زمانی که هزینه فرصت از قبیل از دست دادن موقعیت‌های شغلی و محدودیت‌های پیشرفت حرفه‌ای در ترازوی تأمل اگزیستانسیل قرار می‌گیرد و در مقابل شبکه‌های حمایتی، نهادی ناپایدار ارزیابی می‌شوند، عقلانیت عملی به سمت محافظه‌کاری وجودی سوق می‌یابد (Rivedal et al, 2025: 14). در مطالعه‌ای پدیدارشناختی بر تجربه زیسته مادران کارمند نشان دادند که بدن مادرانه در عصر حاضر با تنش‌های زمانی و مکانی روبه‌رو است که بر تصمیم‌گیری‌های باروری تأثیر می‌گذارد. این رویکرد، تردید در فرزندآوری را نه یک اجتناب غیر منطقی، بلکه پاسخی هرمنوتیکی به شرایط ساختاری ناهمگون تفسیر می‌کند.

- از سیاست جمعیتی به سیاست پدیدارشناختی: مطالعه حاضر آشکار می‌سازد که مسئله فرزندآوری در میان زنان مذهبی صرفاً یک مسئله جمعیتی نیست، بلکه یک مسئله هرمنوتیکی وجودی است که در سطح میان‌ذهنیت و ساخت معنا، جریان دارد. در چارچوب پدیدارشناسی تفسیری راه‌حل نیازمند ایجاد فضایی برای گفت‌وگوی میان‌ذهنی درباره معنای جدید مادری مسئولانه در جهان معاصر است. هاینامی<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) در تحلیل پدیدارشناختی قصدیت جمعی تأکید کرده که تحولات اجتماعی، نیازمند بازسازی ساخت‌های میان‌ذهنی هستند. همچنین راه‌حل‌های ارائه‌شده برای حل چالش باروری، بدون مشارکت فعال مردان در پروژه وجودی مشترک خانواده، امکان‌پذیر نیست. سیاست‌ها و مشوق‌های قانونی و برنامه‌های فرهنگی باید بر مشارکت پدرانه و تسهیل تجربه زیسته مادری تمرکز کنند. به عبارت دقیق‌تر، گذار از سیاست جمعیتی به سیاست

1. Merleau Ponty

2. Heinämaa

پدیدارشناختی خانواده‌محور می‌تواند زمینه را برای فرزندآوری خانواده‌ها فراهم سازد.

- **پیشنهادهای سیاستی:** سیاست‌های حمایتی می‌باید از رویکردی یک‌سویه و صرفاً مادی فراتر رفته، بر بازسازی زیست‌جهان امن برای زنان متمرکز شود. این امر مستلزم طراحی مداخلاتی است که همزمان بر سه سطح فردی، بین‌فردی و اجتماعی و فرهنگی اثر بگذارد. در سطح بین‌فردی، ضروری است با اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی هدفمند، زمینه‌ای فراهم آید تا مسئولیت فرزندپروری از بار شدن تمامی نقش‌ها بر مادر خارج شده، به عنوان «امری مشترک» در کانون خانواده و جامعه بازتعریف شود. همچنین ایجاد و تقویت شبکه‌های حمایتی غیر رسمی محلی و مجازی می‌تواند پاسخی به «درک فقدان حمایت اجتماعی» باشد و حس تعلق و هم‌توانی را در میان زنان تقویت کند.

در سطح کلان، سیاست‌ها باید معطوف به زدودن «ابهام از آینده» باشد. این امر نه تنها از طریق مشوق‌های اقتصادی پایدار، که با ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در شرایط اقتصادی-اجتماعی محقق می‌شود. شفافیت و ثبات در سیاست‌ها می‌تواند احساس درماندگی در برابر سرنوشت را کاهش دهد. از سوی دیگر، دستگاه‌های فرهنگی می‌باید با بازروایی گفتمان مادری، از «سنگینی توقعات کهن» بکاهند و الگویی زنانه ارائه نمایند که میان تعالی فردی و نقش مادری، آشتی برقرار کند، نه آنکه آن را به‌مثابه یک «تقابل» بازنمایی کنند. در نهایت هرگونه سیاست‌گذاری باید از تجربه رنج‌تندگی بدن و ذهن زنان آگاه باشد و با ارائه خدمات سلامت روانی-جسمی جامع، از بار این تجربه دشوار بکاهد.

در اینجا ضرورت تحولی بنیادین در سیاست‌گذاری‌های کلان به منظور خانواده‌محور کردن ساختارهای حاکمیتی آشکار می‌شود. خانواده‌محوری به‌مثابه یک پارادایم راهبردی، مستلزم به رسمیت شناختن نهاد خانواده به عنوان واحد بنیادین و کانونی نظام اجتماعی و بازطراحی تمامی قوانین، نهادها و فرآیندها حول این محور است. در این الگو، دیگر خانواده تابعی از ساختارهای کلان نخواهد بود، بلکه این ساختارها هستند که می‌باید در خدمت تقویت، پایداری و توانمندسازی «نقش‌های درون خانوادگی»-اعم از نقش پدری، مادری و همسری- قرار گیرند و این دقیقاً مطابق با بندهای سیاست‌های

ابلاغی رهبر معظم انقلاب در حوزه خانواده است. تحقق این هدف، تنها از طریق جاری‌سازی منطق خانواده‌محوری در تمامی سطوح ممکن می‌گردد. در عرصه قانون‌گذاری می‌باید با اصلاح قوانین، امتیازات ملموس و حمایت‌های حقوقی از نقش‌های خانوادگی تعریف شود. در حوزه اقتصادی، نظام‌های مالیاتی، تأمین اجتماعی و اعطای تسهیلات باید بر مبنای خانواده به عنوان یک واحد اقتصادی یکپارچه بازطراحی گردد. در عرصه فرهنگ و آموزش، نهادهای آموزشی و رسانه‌ای موظف به ترویج و تعالی ارزش‌های خانوادگی و مهارت‌های تحکیم بنیان آن خواهند بود. غایت نهایی این پارادایم، شکل‌دهی به نظام خانواده‌محور است که در آن، خانواده از حاشیه به متن سیاست‌گذاری بیاید و نه تنها به عنوان دریافت‌کننده خدمات، بلکه به عنوان فاعل اصلی و اداره‌کننده جامعه شناخته شود. تنها در چنین زیست‌بومی است که می‌توان شکاف بین ارزش‌های اعتقادی و کنش عملی در حوزه فرزندآوری را به طور ریشه‌ای مورد توجه قرار داد و زمینه‌های برون‌رفت از چالش کنونی را فراهم نمود.

## منابع

- افشانی، سیدعلیرضا و آزاده ابویی و علی روحانی (۱۴۰۱) تجربه زیسته زنان نابارور از مسئله بی‌فرزندگی، زن در توسعه و سیاست، ۲۰(۱)، صص ۱-۲۱.  
<https://doi.org/10.22059/jwdp.2021.327319.1008049>.
- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۲) «کاوشی در فهم تجربه زیسته زوجین از فرزندآوری در استان لرستان»، پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی، سال سوم، شماره ۸، صص ۱۳۵-۱۶۶.  
<https://risi.ihss.ac.ir/Article/46195>.
- خدیوزاده، طلعت و مروارید ایرانی (۱۳۹۷) «ارتباط بین باورهای دینی و رفتارهای باروری در زنان سنین باروری شهر مشهد در سال ۱۳۹۵»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۲۸(۱۶۷)، صص ۱۳۳-۱۴۴.  
<http://jmums.mazums.ac.ir/article--10531-fa.html>.
- شاوردی، توران و رضا صحراگرد منفرد (۱۴۰۱) «آسیب‌شناسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر دین‌داری دختران و زنان»، پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی، سال دوم، شماره ۴، صص ۳۵-۶۱.  
<https://risi.ihss.ac.ir/Article/38481/FullText>.
- طالبی اردکانی، رها و بیژن زارع و رضا صفری‌شالی و علیرضا کریمی (۱۴۰۳) «جایگاه دین‌داری در تغییرات امید اجتماعی شهروندان تهرانی»، پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی، ۳(۸)، صص ۷۱-۱۰۳.  
<https://risi.ihss.ac.ir/fa/Article/46799>.
- کاوه فیروز، زینب و محمدجلال عباسی شوازی و سیدحسین سراج‌زاده و نگار رمضی (۱۴۰۰) رابطه دینداری و ارزش‌های خانواده با تمایلات و قصد فرزندآوری در میان زنان متأهل شهر تهران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۰(۲)، صص ۵۸۷-۶۲۳.  
doi: 10.22059/jisr.2020.302336.1064
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۶) «بررسی مقایسه‌ای تأثیر دین‌داری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران»، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۲).
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۴۰۲) پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۱۴۰۲، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی.

- Abbasi, A., Sadeghi, R., Maleki, A., & Balakhani, G. (2022) A meta- analysis of factors related to fertility attitudes, desires, and childbearing intentions in Iranian studies. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(4), 63- 92.  
doi: 10.22035/isih.2021.4546.4509.
- Ajzen, I., & Klobas, J. (2013). Fertility intentions. *Demographic Research*, 29, 203-232. <https://doi.org/10.4054/demres.2013.29.8>.

- Jalal Abbasi-Shavazi, M., & McDonald, P. (2006). FERTILITY DECLINE IN THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN: 1972–2000. *Asian Population Studies*, 2(3), 217–237. <https://doi.org/10.1080/17441730601073789>.
- Ajzen, I. (1991) The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179–211. [https://doi.org/10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T).
- Alomair, N., Alageel, S., Davies, N., & Bailey, J. V. (2020) Factors influencing sexual and reproductive health of Muslim women: A systematic review. *Reproductive Health*, 17(1), 33. <https://doi.org/10.1186/s12978-020-0888-1>.
- Bandura, A. (1997) Self- efficacy: The exercise of control. W.H. Freeman and Company.
- Becker, G. S. (1991) A treatise on the family (Enlarged ed.). Harvard University Press. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1258277>
- Bein, C., Mynarska, M., & Gauthier, A. H. (2021) Do costs and benefits of children matter for religious people? Perceived consequences of parenthood and fertility intentions in Poland. *Journal of Biosocial Science*, 53(3), 419–435. <https://doi.org/10.1017/S0021932020000280>.
- Bourdieu, P. (1986) The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241–258). New York: Greenwood. <https://www.marxists.org/reference/subject/philosophy/works/fr/bourdieu-forms-capital.htm>.
- Brainerd, E., & Malkova, O. (2025) How religion mediates the fertility response to maternity benefits. IZA Institute of Labor Economics. <https://www.iza.org/en/publications/dp/18081/how-religion-mediates-the-fertility-response-to-maternity-benefits>.
- Creswell, J. W. (2013) *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five traditions* (3rd ed.). Sage Publications. <https://www.scirp.org/reference/ReferencesPapers?ReferenceID=1807302>.
- Dantis, C., Rizzi, E. L., & Baudin, T. (2023). The Association between Religiosity and Fertility Intentions Via Grandparenting: Evidence from GGS Data. *European journal of population = Revue europeenne de demographie*, 39(1), 1. <https://doi.org/10.1007/s10680-023-09652-9>.
- Giddens, A. (1991) *Modernity and self- identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.
- Hawkey, A. J., Ussher, J. M., & Perz, J. (2018) "If you don't have a baby, you can't be in our culture": Migrant and refugee women's experiences and constructions of fertility and fertility control. *Women's Reproductive Health*, 5(2), 75- 98. <https://doi.org/10.1080/23293691.2018.1463728>.
- Hayford, S. R., & Morgan, S. P. (2008) Religiosity and Fertility in the United

- States: The Role of Fertility Intentions. Social forces; a scientific medium of social study and interpretation, 86(3), 1163–1188.  
<https://doi.org/10.1353/sof.0.0000>.
- Kearney, A. L., & White, K. M. (2016) Examining the psychosocial determinants of women's decisions to delay childbearing. *Human Reproduction*, 31(8), 1776- 1787.  
<https://doi.org/10.1093/humrep/dew124>.
- Lee, J., Kim, S., & Nam, S. H. (2025) "Living with silence and shame": A meta-synthesis of women's lived experiences of infertility- related stigma. *International Journal of Women's Health*, 17, 1- 15.  
<https://doi.org/10.2147/IJWH.S539531>
- Lesthaeghe, R. (2010) The unfolding story of the second demographic transition. *Population and Development Review*, 36(2), 211–251.  
<https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2010.00328.x>
- Merleau- Ponty, M. (1962) *Phenomenology of perception* (C. Smith, Trans.). Routledge. (Original work published 1945).  
<https://voidnetwork.gr/wp-content/uploads/2016/09/Phenomenology-of-Perception-by-Maurice-Merleau-Ponty.pdf>.
- Murdock, Kyle. (2012) An Examination of Parental Self- Efficacy Among Mothers and Fathers. *Psychology of Men & Masculinity*. 14. 314- 323.  
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0027009>
- Rivedal, S., Groven, K. S., & Aasbø, G. (2025) Working mothers' bodily and temporal experiences of caring for small children: A phenomenological study of the mommy- body. *NORA- Nordic Journal of Feminist and Gender Research*, 33(1), 1- 14. <https://doi.org/10.1080/08038740.2025.2550420>.
- Vignoli, D., Guetto, R., Bazzani, G., Pirani, E., & Minello, A. (2020) A reflection on economic uncertainty and fertility in Europe: The Narrative Framework. *European Journal of Population*, 36(4), 743–768.  
<https://doi.org/10.1186/s41118-020-00094-3>.
- Wittkowski, A., Garrett, C., Calam, R., & Weisberg, D. (2017) Self- report measures of parental self- efficacy: A systematic review of the current literature. *Journal of Child and Family Studies*, 26(11), 2960–2978.  
<https://doi.org/10.1007/s10826-017-0830-5>.
- Yadollahpour, M. H., Bakouei, F., Khafri, S., & Salimi, T. (2024). Religiosity and attitudes toward childbearing among Iranian college students: A cross-sectional study. *Current Research in Medical Sciences*, 1(1), 15-22.  
<http://crms.mubabol.ac.ir/article-1-193-en.html>.
- Safari-Faramani, R., Haghdoost, A. A., Baneshi, M. R., & Dehnavieh, R. (2018). Exploring the perception of childbearing barriers in a low fertility subgroup of Iran: a qualitative study. *Electronic physician*, 10(6), 6927–6934.  
<https://doi.org/10.19082/6927>.
- Behjati-Ardakani, Z., Navabakhsh, M., & Hosseini, S. H. (2017). Sociological Study on the Transformation of Fertility and Childbearing Concept in Iran. *Journal of reproduction & infertility*, 18(1), 153–161.  
<https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC5359852/>.